

مجله زبانشناسی و گویش‌های خراسان، دانشگاه فردوسی مشهد، علمی- پژوهشی، شماره پیاپی ۱۴- بهار و تابستان ۱۳۹۵

ساناز علی‌پور (دانشجوی دکتری زبانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)<sup>۱</sup>

دکتر شهلا شریفی (دانشیار زبانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسوول)<sup>۲</sup>

دکتر علی ایزانلو (استادیار زبانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)<sup>۳</sup>

## معرفی ام‌آی‌پی<sup>۱</sup>: روشی برای شناسایی استعاره در گفتمان

### چکیده

ظهور زبان‌شناسی شناختی در سال‌های اخیر به عنوان رویکردی جدید که هم به زبان و هم به ذهن توجه دارد سبب گردیده استعاره به عنوان ابزاری برای فهم و بیان تصورات انتزاعی در قالب تصورات ملموس‌تر مورد توجه خاص قرار بگیرد. برای هر گونه بررسی پیرامون استعاره، توصیف نظام آن، نقش‌هایی که در جمله برعهده می‌گیرد، نگاشت‌های زیرساختی<sup>۲</sup>، تاثیر استعاره در پردازش، و غیره لازم است در ابتدا استعاره به‌طور موثق و نظام‌مند در گفتمان شناسایی شود، تا پایه‌های محکمی برای تحلیل و بررسی فراهم آید. این مقاله در نظر دارد شیوه‌ای صریح در اختیار خوانندگان قرار دهد که از طریق آن بتوان با اطمینان، واژه‌های استعاری را در گفتمان شناسایی کرد. در این راستا ابتدا روش ام‌آی‌پی معرفی خواهد شد و سپس با ذکر مثال چگونگی به‌کارگیری این روش برای شناسایی واژه‌هایی که در آن به‌طور استعاری به‌کار رفته‌اند، نشان داده خواهد شد و در نهایت چارچوبی برای گزارش نتیجه ام‌آی‌پی پیشنهاد خواهد شد. نتایج این بررسی حاکی از آن است که اگرچه به‌کارگیری این روش، در شناسایی استعاره به هیچ‌وجه کار سریع و آسانی نیست، اما در حال حاضر تنها روش نظام‌مند، معتبر، علمی و عملی برای شناسایی استعاره در متون به شمار می‌آید.

**کلیدواژه‌ها:** زبان‌شناسی شناختی، استعاره، معنای اولیه<sup>۳</sup>، معنای بافتی<sup>۴</sup>، روش ام‌آی‌پی.

---

1 MIP: Metaphor Identification Process

2 underlying mapping

3 basic meaning

4 conceptual meaning

## ۱. مقدمه و پیشینه پژوهش

بررسی استعاره از جمله موضوعات مورد علاقه پژوهشگران از دوران باستان تاکنون بوده است. از جمله نظریه‌های تاثیرگذار که در گذشته مطرح شده می‌توان به نظریه مقایسه‌ای<sup>۱</sup> و نظریه جایگزینی<sup>۲</sup> اشاره کرد. خاستگاه نظریه مقایسه‌ای به ارسطو در قرن چهارم پیش از میلاد برمی‌گردد (لیکاف<sup>۳</sup>؛ ۱۹۹۳، ۲۰۲). او استعاره را مقایسه تلویحی بر اساس اصل قیاس در نظر می‌گرفت (اورتونی<sup>۴</sup>؛ ۱۹۹۷، ۳). بنابراین بر اساس این نظریه استعاره به مثابه تشبیهی فشرده است و اساساً ویژگی تزئینی گفتار به شمار می‌آید. ویژگی کلیدی نظریه جایگزینی این باور است که استعاره یک روش دیگر بیان چیزی است که می‌توانست در معنای حقیقی خود به کار رود (مارتین<sup>۵</sup> و هری<sup>۶</sup>؛ ۱۹۸۲، ۹۰) و بنابراین صرفاً جایگزینی برای گفتار تحت‌اللفظی است. هر دو نظریه مذکور در این باور که زبان تحت‌اللفظی طبیعی است در حالی که زبان استعاری نوعی انحراف از زبان طبیعی است، اشتراک نظر داشتند. در اواخر قرن بیستم این نوع رویکرد سنتی به استعاره با ظهور زبان‌شناسی شناختی تغییر کرد (فیلیپ؛ ۲۰۰۰، ۱). در سال ۱۹۸۰ لیکاف و جانسون<sup>۷</sup> تحقیقات تاثیرگذاری در زمینه استعاره انجام دادند که زمینه‌ساز توجه به استعاره و بررسی این مفهوم در سال‌های پس از آن گردید (کرنمایر<sup>۸</sup>؛ ۲۰۱۰، ۱۲). در این رویکرد استعاره به تدریج به عنوان مشخصه زبان روزمره و نه خاص گفتمان شاعرانه در نظر گرفته شد. لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) خاطر نشان می‌کنند نظام ادراک عادی ما که بر اساس آن فکر و عمل می‌کنیم اساساً ماهیتی استعاری دارد. بنابراین صورت‌های استعاری باید مسئله‌ای مربوط به تفکر در نظر گرفته شود (لیکاف و جانسون؛ ۱۹۸۰، ۳).

1 comparison theory

2 substitution theory

3 lakoff

4 Ortony

5 Martin

6 Harre

7 Johnson

8 Krennmayre

## ۲. ضرورت پژوهش و طرح مسئله

همان‌طور که ذکر شد تحقیقات لیکاف در مورد استعاره‌های مفهومی زمینه کاملاً جدیدی در بررسی‌های زبانی پدید آورد و علاقه‌مندان به پژوهش‌های پیرامون زبان در سراسر دنیا پژوهش‌های زیادی در زمینه استعاره انجام دادند. اما یکی از مشکلات در بررسی‌های مربوط به استعاره در سال‌های اخیر شناسایی و تحلیل زبان استعاری در گفتمان طبیعی است. از جمله ندهایی که به این گونه پژوهش‌ها وارد است یکی این‌که چگونه پژوهشگران مثال‌های ارائه شده برای صدق ادعاهایشان را جمع‌آوری نموده‌اند. به نظر می‌رسد این مثال‌ها بیشتر ساخته و پرداخته شده‌اند تا اینکه از متون بزرگتر استخراج شده باشند. تحلیلگران استعاره بر این نکته تاکید کردند برای بررسی دقیق و همه‌جانبه استعاره باید آن را در گفتمان‌های زبانی غنی و معتبر مورد بررسی قرار داد. بررسی‌های اخیر بر اهمیت توجه به استعاره در موقعیت‌های گفتمانی معتبر تاکید دارد (به طور مثال کامرون<sup>۱</sup> ۲۰۰۳؛ کامرون و لو<sup>۲</sup> ۱۹۹۹؛ چارتریس-بلاک<sup>۳</sup> ۲۰۰۴؛ دینان<sup>۴</sup> ۲۰۰۵؛ سمینو<sup>۵</sup> ۲۰۰۸؛ استین<sup>۶</sup> ۱۹۹۹ و ۲۰۰۲).

پراگلیجاز<sup>۷</sup> (۲۰۰۷، ۱) تاکید می‌کند برای این‌که درکی مبتنی بر واقعیت از زبان استعاری داشته باشیم لازم است پژوهشگران استعاره را در محیط طبیعی خود یعنی همان‌گونه که سخنگویان و نویسندگان در بافت‌های زبانی مختلف تولید می‌کنند، بررسی کنند. برای درک صحیح از کارکرد استعاره ضرورت دارد از مثال‌های خودساخته و داده‌های بافت‌زدوده فراتر رویم، اگر بخواهیم دریابیم این استعاره‌ها چه نقش‌هایی در زبان به عهده دارند، در چه موقعیت‌ها و با چه روش‌هایی استفاده می‌شوند، چگونه مردم استعاره را درک می‌کنند و استعاره چه تاثیر احتمالی می‌تواند بر آن‌ها داشته باشد، تمرکز بر نحوه به‌کارگیری زبان در موقعیت‌های واقعی تنها راه چاره است (کامرون ۲۰۰۴؛ سمینو ۲۰۰۲). اصلی‌ترین مشکل در

1 Cameron

2 Low

3 Charteris-Black

4 Deignan

5 Semino

6 Steen

7 pragglejaz

این گونه بررسی‌ها این است که پژوهشگران برای تصمیم‌گیری جهت تعیین اینکه چه چیزی یک واژه یا عبارت را استعاری می‌سازد، صرفاً بر شم خود تکیه می‌کنند و شم آن‌ها می‌تواند متفاوت باشد. کارشناسان استعاره اغلب در بررسی‌های عملی خود معیارهایی برای مشخص ساختن اینکه چه چیزی استعاره است و چه چیزی استعاره نیست، ارائه نمی‌کنند. تنوع در شم و عدم صراحت در مورد اینکه چه چیزی استعاره محسوب می‌شود، باعث گردیده مقایسه پژوهش‌های عملی با دشواری توأم شود. مهمتر آنکه فقدان معیارهای توافق شده در شناسایی استعاره هر گونه ارزیابی ادعاهای نظری درباره بسامد استعاره، نحوه سازمان‌مندی آن در گفتمان و روابط احتمالی بین زبان استعاری و تفکر استعاری را با مشکل روبه‌رو کرده است. در این راستا گروهی از کارشناسان استعاره از رشته‌های مختلف به سرپرستی پرگلیجاز (۲۰۰۷) درصد برآمدند تا روشی صریح، معتبر و به دور از تکیه بر شم صرف برای شناسایی واژه‌های استعاری در زبان گفتاری و نوشتاری ارائه کنند. این مقاله به شرح این فرایند می‌پردازد و خطوط کلی این شیوه را که می‌تواند توسط کارشناسان برای پژوهش‌های عملی مختلف مورد استفاده قرار گیرد، ترسیم می‌کند. در این روش هدف آن است که برای هر واحد واژگانی در جریان گفتمان معلوم گردد که آیا کاربرد آن در بافت زبانی خاص می‌تواند به عنوان استعاره در نظر گرفته شود یا خیر. این گروه تأکید دارند ما نیاز داریم تصمیم قاطعی درباره این که آیا یک واژه در یک بافت معنای استعاری را می‌رساند یا خیر اتخاذ کنیم، گرچه می‌دانیم میزان استعاری بودن یک واژه نسبی است و در بافت‌های مختلف فرق دارد.<sup>۱</sup> پرگلیجاز اذعان می‌دارد: ادعا نمی‌کنیم که روند شناسایی ما نشان‌دهنده آن است که شنوندگان یا خوانندگان وقتی با این واژه‌های استعاری مواجه می‌شوند، استعاری فکر می‌کنند. همچنین بر این مسئله تأکید می‌کنیم هرگونه تصمیم‌گیری مبنی بر اینکه واژه‌ای در متن به صورت استعاری استفاده نشده تلویحاً به این معنا نیست که به صورت تحت‌اللفظی به‌کار گرفته شده است. واژه می‌تواند به صورت مجاز، کنایه یا انواع دیگر مفاهیم ادبی بیان شود. هدف کلی ما

۱ برای اطلاعات بیشتر می‌توانید به مقاله راسخ مهند ۱۳۸۹ که در قسمت منابع ذکر شده مراجعه کنید.

این است یک ابزار تحقیقاتی که به کارگیری آن نسبتاً ساده است در اختیار کارشناسان علاقه‌مند به محتوای استعاری گفتمان واقعی فراهم آوریم (پرگلیجاز؛ ۲۰۰۷، ۲).

هدف این پژوهش دستیابی به پاسخ سوال زیر است:

آیا روش ام‌آی‌پی همان‌گونه که طراحان آن ادعا می‌کنند، روشی کارآمد، عملی، صریح، و موثق برای کشف و شناسایی استعاره در گفتمان و به طور خاص گفتمان خبر محسوب می‌شود یا خیر؟

### ۳. معرفی ام‌آی‌پی

ام‌آی‌پی شامل مراحل است که برای شناسایی استعاره باید طبق آن‌ها عمل کرد:

۱- کل متن/گفتمان را بخوانید تا درکی کلی از معنای آن به دست آورید.

۲- واحدهای واژگانی در متن/گفتمان را تعیین کنید.

الف- معنای هر واحد واژگانی در متن را به دست دهید؛ یعنی این‌که چگونه به عنوان یک اسم، فعل یا صفت در موقعیتی که توسط متن فراخوان شده (معنای بافتی) به کار رفته است. به واژه‌های قبل و بعد از این واحد واژگانی نیز توجه کنید.

ب- برای هر واحد واژگانی تعیین کنید آیا همزمان معنای اولیه‌تر و اصلی‌تر از معنایی که در این بافت به کار رفته، در متون دیگر وجود دارد. برای اهداف ما معنای اولیه‌تر معنایی است که:

- عینی‌تر باشد؛ آنچه فراخوان می‌کند بتوان تصور کرد، دید، شنید، لمس کرد، بویید و یا چشید.

- به اعمال فیزیکی و جسمانی مرتبط باشد.

- آشکارتر و مشخص‌تر باشد (در تضاد با مبهم بودن).

- از نظر تاریخی قدیمی‌تر باشد.

معنای اولیه‌تر ضرورتاً رایج‌ترین معنای یک واحد واژگانی نیست.

ج- اگر برای یک واحد واژگانی، معنای اولیه‌تر از معنای آن در بافت مورد نظر وجود دارد مشخص کنید آیا معنای بافتی آن با معنای اولیه مغایر است یا خیر.

۳- اگر جواب سوال فوق مثبت بود، دال بر استعاری بودن آن واژه است.

در این قسمت از مقاله نحوه به‌کارگیری روش **ام‌آی‌پی** در یک گفتمان خبر نشان داده می‌شود. همان‌طوری‌که قبلاً اشاره شد برای اینکه این بررسی کاملاً علمی باشد این موضوع اهمیت دارد که نه تنها زبان بلکه بافت آن را نیز در نظر بگیریم. یک متن در خلا رخ نمی‌دهد، بلکه توسط فردی برای فرد دیگری در موقعیت خاص به منظور خاص تولید می‌شود. گفتمان رخداد ارتباطی پیچیده‌ای است که یک بافت زبانی-اجتماعی، شرکت‌کننده‌ها، ویژگی آن‌ها و نیز فرایند تولید و درک را دربر دارد (واندایک؛ ۱۹۸۸، ۱). در نتیجه گفتمان منبع غنی برای بررسی نقش استعاره در زبان به شمار می‌آید. از جمله منابعی که در آن گفتمان به‌وفور وجود دارد، اخبار است از آنجا که جامعه تحت هجوم زبان رسانه‌ای است (بل؛ ۱۹۹۱، ۱)، اخبار زندگی ما را تا حد زیادی تحت تاثیر قرار می‌دهد و بنابراین می‌تواند زمینه‌ی تحقیق جالبی باشد. متون روزنامه‌ای از گونه متداول گفتمان نوشتاری به شمار می‌آیند. در این مقاله یکی از گزارش‌های خبر روزنامه کیهان ورزشی مورد بررسی قرار گرفته است. در عنوان این گزارش آمده است: «بازی‌های هفته پایانی لیگ برتر فوتبال باشگاه‌های انگلیس - التهاب در جمع تیم‌های قعرنشین». برای تعیین اینکه کدام یک از واژه‌ها کاربرد استعاری دارد، باید تک‌تک مراحل **ام‌آی‌پی** بر روی آن‌ها پیاده گردد. با خواندن کل مقاله در مرحله اول می‌توان دریافت که این مقاله به مسابقه‌های داخل فوتبال انگلیس به منظور رده‌بندی تیم‌ها در لیگ فوتبال آن کشور اختصاص دارد. در زیر بخشی از این گزارش که مورد تحلیل قرار خواهد گرفت آورده شده است:

رقابت‌های لیگ برتر انگلیس در حالی به پایان می‌رسد که تکلیف قهرمان مشخص است و جنگ بر سر بقا وجود دارد..... در پایین جدول لیگ ۲۰ تیمی لیگ انگلیس، رقابت نزدیکی میان تیم‌های قعرنشین برای فرار از سقوط وجود دارد. (کیهان ورزشی - ۸۸/۳/۳)

در مرحله دوم واحدهای واژگانی در جمله را با خط مورب که نشان دهنده مرز بین این واژه‌هاست، از یکدیگر جدا می‌کنیم. لازم به تذکر است در ادامه مقاله مسئله انتخاب واحد مناسب تحلیل و مبنای منطقی این تقسیم‌بندی در واحدهای واژگانی و استفاده از یک فرهنگ لغت<sup>۱</sup> در این روش، با جزئیات بیشتر به بحث گذاشته می‌شود.

رقابت‌های / لیگ / برتر / انگلیس / در / حالی / به / پایان / می‌رسد / که / تکلیف / قهرمان / مشخص / است / و / جنگ / بر / سر / بقا / وجود / دارد / .... / در / پایین / جدول / لیگ / ۲۰ / تیمی / لیگ / انگلیس / رقابت / نزدیکی / میان / تیم‌های / قهرنشین / برای / فرار / از / سقوط / وجود / دارد /.

در مرحله سوم هر یک از واحدهای واژگانی به ترتیب از ابتدای جمله مورد بررسی قرار می‌گیرد و معنای آن در بافت زبانی به کار گرفته شده و نیز معنای اولیه آن تعیین می‌گردد. در مرحله چهارم تصمیم نهایی مبنی بر اینکه آیا آن واحد واژگانی در بافت زبانی مقاله به صورت استعاری به کار گرفته شده یا خیر اعلام می‌شود. اکنون به بررسی تک‌تک واژه‌های فوق در این مقاله می‌پردازیم:

#### رقابت‌های

الف- معنای بافتی: «رقابت» در این بافت یک اسم است که به صورت جمع به کار رفته است و به معنی مسابقه ورزشی است که در آن تیم‌های فوتبال کشور مورد نظر برای کسب پیروزی در مقابل حریف و اشغال جایگاه بهتر با یکدیگر رقابت می‌کنند.

ب- معنای اولیه: «رقابت» به معنی تلاش کردن دو یا چند نفر برای پیشی گرفتن از یکدیگر در انجام کاری یا به دست آوردن امتیازی است.

ج- مقایسه معنای بافتی با معنای اولیه: معنای بافتی این واژه بسیار به معنای اولیه مرتبط است و اساساً تضادی با آن ندارد و در جواب این سوال که آیا این واژه به صورت استعاری به کار رفته است یا خیر، جواب منفی است.

۱ مبنای ارائه معنای اولیه و معنای بافتی در این بررسی «فرهنگ بزرگ سخن انوری» است.

## لیگ

- الف- معنای بافتی: واژه «لیگ» یک اسم است، در این بافت زبانی به تیم‌های ورزشی در کشور انگلیس اطلاق می‌شود، که طبق گزارش گزارشگر در حال حاضر مسابقه می‌دهند.
- ب- معنای اولیه: در فرهنگ لغت برای این واژه فقط یک مدخل وجود دارد که توصیف آن به این شرح است: مجمعی از باشگاه‌ها، تیم‌ها یا مسابقات ورزشی سراسری که طبق برنامه معین در یک رشته ورزشی مسابقه می‌دهند.
- ج- مقایسه معنای بافتی با معنای اولیه: معنای بافتی این واژه همان معنای اولیه است و واژه مذکور به صورت استعاری به کار نرفته است.

## برتر

- الف- معنای بافتی: «برتر» یک صفت تفضیلی است که به معنی بالاتر از جهت جایگاه است؛ و منظور از آن تیم‌های قویتر با عملکرد بهتر در رده‌بندی مسابقات است.
- ب- معنای اولیه: بالاتر و بلندتر؛ چیزی که فاصله‌اش از قسمت پایین آن تا قسمت بالای آن زیاد است.
- ج- مقایسه معنای بافتی با معنای اولیه: در این بافت واژه برتر بهتر بودن از نظر ویژگی خاص است اما برتر معنای اولیه‌تر دیگری دارد بلند بودن در اندازه، این معنا مغایر با معنای بافتی است و این مفهوم را به ذهن متبادر می‌کند که چیزی که در رده بالاتر است، بهتر است. بنابراین علی‌رغم این مغایرت معنایی، معنای بافتی از معنای اولیه قابل درک است و در جواب این سوال که آیا واژه «برتر» به صورت استعاری به کار رفته، باید جواب داد بله این واژه استعاره است.

## انگلیس

- الف- معنای بافتی: یک اسم خاص است و در این بافت به نام کشوری اشاره دارد که در آن مسابقات لیگ فوتبال در جریان است.
- ب- معنای اولیه: برای این اسم خاص در فرهنگ لغت مدخلی وجود ندارد و فقط می‌توان گفت نام یک کشور است.



ج- مقایسه معنای بافتی و معنای اولیه: معنای بافتی همان معنای اولیه است و واژه «انگلیس» در اینجا استعاره نیست.

در

الف- معنای بافتی: در این بافت واژه «در» به کار رفته تا محدوده موقعیتی را که تیم‌های رقیب از نظر امتیاز در آن قرار گرفته‌اند، نشان دهد.

ب- معنای اولیه: از نظر دستوری حرف اضافه است به معنی درون و داخل؛ برای بیان ظرفیت و محدوده مکانی چیزی به کار می‌رود.

ج- مقایسه معنای بافتی با معنای اولیه: با مقایسه این دو معنی می‌توان دریافت که «در» در هر دو معنا از این نظر که به محدوده و درون اشاره می‌کند مشابه است اما از این جهت که در این بافت برای توصیف یک فعالیت، یک بعد فضایی در نظر گرفته و به این مفهوم انتزاعی، جسم بخشیده می‌توان نتیجه گرفت که واژه «در» به صورت استعاره به کار رفته است.

حالی

الف- معنای بافتی: اسم نکره است به معنی وضعیت یا حالت؛ در اینجا به موقعیت امتیاز تیم‌ها در مسابقه فوتبال اشاره دارد.

ب- معنای اولیه: وضعیت جسمی یا روحی انسان عنوان توصیفی است که برای معنای اولیه قید شده است.

ج- مقایسه معنای بافتی با معنای اولیه: در این بافت موقعیت تیم‌ها به وضعیت جسمی یا روحی انسان تشبیه شده که ادامه مسابقات باعث تعیین وضعیت (حال) تیم‌ها می‌شود و بنابراین واژه «حالی» در اینجا استعاره است.

به

الف- معنای بافتی: «به» حرف اضافه است و در این بافت اشاره به سطح یا نقطه خاص؛ (نتیجه‌ای) دارد که تیم‌های فوتبال در کشور انگلیس در نهایت به آن دست می‌یابند.

ب- معنای اولیه: واژه «به» معنای اولیه برای نشان دادن الصاق و اتصال به کار می‌رود، مانند کاربرد آن در جمله: لباس‌هایم را به رخت‌آویز آویزان کردم.

ج- مقایسه معنای بافتی با معنای اولیه: مقایسه دو معنی نشان می‌دهد که برای مسابقه و نتیجه نهایی آن نقطه پایانی تصور شده که تیم‌ها سعی دارند به آن برسند. نتیجه این‌که، واژه «به» که حرکت فرضی تیم‌ها را به آن نقطه نشان می‌دهد به صورت استعاره به کار رفته است.

#### پایان

الف- معنای بافتی: «پایان» در اینجا به معنی لحظه اتمام مسابقه فوتبال و رقابت بین تیم‌هاست.

ب- معنای اولیه: به دورترین نقطه یک مکان یا یک چیز پایان آن گفته می‌شود؛ انتها.

ج- مقایسه معنای بافتی با معنای اولیه: با مقایسه دو معنی می‌توان در بافت برای مسابقه فوتبال هیات جسمانی متصور شده که نقطه پایانی دارد و بنابراین واژه «پایان» در اینجا استعاره است.

#### می‌رسد

الف- معنای بافتی: فعل مضارع سوم شخص مفرد است در اینجا به معنی دستیابی به نقطه پایانی که همانا اتمام بازی‌ها و مشخص شدن نتیجه است.

ب- معنای اولیه: به معنی حرکت کردن برای رسیدن به جای خاص به‌ویژه وقتی رسیدن به آن مستلزم زمان طولانی و یا تلاش زیاد باشد.

ج- مقایسه معنای بافتی با معنای اولیه: بررسی دو معنی نشان می‌دهد اتمام رقابت به منزله نقطه پایانی است، که تیم‌ها در جریان بازی تلاش دارند به آن برسند و بنابراین واژه «می‌رسد» در اینجا استعاره است.

#### که

الف- معنای بافتی: «که» در این بافت کلمه ربط است و جمله پایه را به پیرو پیوند می‌دهد تا در مورد موقعیت (قید مکان) جمله پایه، توضیحاتی در ادامه ارائه شود.

ب- معنای اولیه: «که» کلمه ربطی است که بعد از افعال، اسامی، یا صفات قرار می‌گیرد تا درباره آنچه یک شخص فکر می‌کند یا مطلبی را عنوان می‌دارد یا شرایط یک موقعیت و یا ارائه دلیل، صحبت کند.

ج- مقایسه معنای بافتی با معنای اولیه: در اینجا یکی از کاربردهایی را «که» در شرح معنای اولیه ذکر شده (توصیف موقعیت) به عهده گرفته و استعاره نیست.

#### تکلیف

الف- معنای بافتی: «تکلیف» در اینجا به نتیجه نهایی و امتیازهای کسب شده در پایان رقابت برای ماندن در لیگ برتر یا حذف شدن تیم‌ها اشاره دارد.

ب- معنای اولیه: معنای اولیه «تکلیف» کاری دشوار به عهده کسی گذاشتن است که به عنوان وظیفه باید انجام دهد.

ج- مقایسه معنای بافتی با معنای اولیه: در اینجا دو معنی متفاوت؛ انجام عمل و نتیجه عمل با تکیه بر این شباهت معنایی که معنای بافتی به موقعیت و نقطه‌ای در انجام یک عمل اشاره دارد (نقطه پایانی عمل) قابل درک است و در نتیجه «تکلیف» در این بافت کاربرد استعاری دارد.

#### قهرمان

الف- معنای بافتی: «قهرمان» در این بافت به تیم‌های برتر و موفق‌تر از نظر عملکرد در مسابقات داخلی فوتبال انگلیس اشاره دارد؛ تیمی که که در یک دوره مسابقه ورزشی، مقام اول را به دست آورده است.

ب- معنای اولیه: آنکه در کار دشوار و مهمی مثل جنگ تلاش زیاد کرده و از خود شجاعت نشان داده و به شهرت رسیده است؛ پهلوان، دلاور.

ج- مقایسه معنای بافتی با معنای اولیه: مغایرت معنایی این واژه در دو بافت؛ یعنی کاربرد آن برای یک شخص در میدان جنگ و یک مسابقه ورزشی با تکیه بر اشتراک معنایی انجام فعالیت سخت و موفق شدن، از یکدیگر قابل استناد هستند و بنابراین «قهرمان» در این بافت کاربرد استعاری دارد.

#### مشخص

الف- معنای بافتی: از نظر دستوری صفت است و در این بافت به معنی قابل پیش بینی بودن تیم برنده است.

ب- معنای اولیه: آنچه ویژگی آشکار و معلوم است و بنابراین به راحتی مورد توجه قرار می‌گیرد.

ج- مقایسه معنای اولیه با معنای بافتی: تفاوت معنایی بین این دو معنا وجود ندارد و بنابراین واژه «مشخص» در اینجا استعاره نیست.

است

الف- معنای بافتی: فعل ربطی است به معنی هستن که در این بافت صفت مشخص را به نتیجه مسابقات نسبت می‌دهد.

ب- معنای اولیه: فعل اسنادی سوم شخص مفرد و زمان حال بودن است که صفت را به فعل نسبت می‌دهد.

ج- مقایسه معنای بافتی با معنای اولیه: تمایزی بین دو معنی وجود ندارد و بنابراین فعل «است» به صورت استعاره استفاده نشده است.

و

الف- معنای بافتی: در این بافت زبانی برای معرفی شرایط مسابقه به کار می‌رود و به این معناست که قهرمان این مسابقات مشخص شده حال آن‌که شرایط بقیه تیم‌ها همچنان مبهم است.

ب- معنای اولیه: کلمه ربط «و» برای عطف دو واژه یا دو عبارت یا دو جمله به کار می‌رود.

ج- مقایسه معنای بافتی با معنای اولیه: «و» در هر دو معنی کلمه ربط است و ضمن ربط دو جمله پیوند معنایی خاص (مثلا در این بافت، تضاد را نشان می‌دهد و در معنی اولیه معمولا اضافه شدن) بین دو جمله به وجود می‌آورد و این معانی می‌توانند کاملا متفاوت باشند چنانچه با مقایسه نتوان معنای اولیه را استنتاج کرد و بنابراین «و» در اینجا استعاره نیست.

جنگ

الف- معنای بافتی: تلاش و کشمکش میان تیم‌های رقیب برای دستیابی به اهداف خود که همانا پشت سر گذاشتن تیم‌های دیگر است، معنی می‌دهد.

ب- معنای اولیه: در معنای اصلی زدو خورد یا جنگ افراد میان گروه‌ها، اقوام یا کشورهای دشمن است.

ج- مقایسه معنای بافتی با معنای اولیه: در اینجا رقابت بین تیم‌ها به جنگ بین آن‌ها با انگیزه بردن تشبیه شده است در عین مغایرت معنایی، می‌توان با تکیه بر شباهت (نوعی مبارزه) از معنای اولیه به معنای بافتی دست یافت و بنابراین واژه «جنگ» به صورت استعاری به‌کار رفته است.

#### بر

الف- معنای بافتی: در این بافت به معنی درباره و روی چیزی است که اینجا موضوع باقی ماندن تیم‌ها یا حذف شدن است.

ب- معنای اولیه: برای قرار گرفتن چیزی روی چیز دیگر در یا بالای آن به‌کار می‌رود.

ج- مقایسه معنای بافتی با معنای اولیه: همان‌طور که دیده می‌شود این واژه در اینجا از معنای اولیه که همانا قرار گرفتن چیزی روی شی مادی است بسط استعاری پیدا کرده و به بالا و روی موضوع بقا یا حذف اشاره دارد و علی‌رغم مغایرت معنایی قابل درک است و بنابراین «بر» در اینجا استعاره است.

#### سر

الف- معنای بافتی: در اینجا به معنی موضوع است و انگیزه تیم‌ها را برای ادامه بازی به موضوع بقا نسبت می‌دهد.

ب- معنای اولیه: در معنای اولیه از اعضای بدن شامل گردن به بالا است، که صورت بر آن قرار دارد.

ج- مقایسه معنای بافتی با معنای اولیه: یافته‌ها نشان می‌دهد واژه «سر» در گذر ایام تغییر معنای وسیع یافته تا جایی که از ارجاع آن به عنوان یک عضو در بدن به کانونی برای تفکر، تخیل، عواطف تبدیل شده و این بسط معنا هم‌چنان ادامه یافته چنانچه در این بافت به کل موضوع رقابت اشاره دارد، و بنابراین واژه «سر» در اینجا استعاره است.

**بقا**

الف- معنای بافتی: به معنی ماندن و حفظ جایگاه در رده‌بندی تیم‌هاست به عبارتی تیم‌ها با خطر حذف شدن از لیگ مواجه هستند و بر سر ماندن در جایگاه خود تلاش می‌کنند.

ب- معنای اولیه: در معنای اولیه به معنی زیستن و زندگانی کردن، علی‌رغم وجود خطر مرگ است.

ج- مقایسه معنای بافتی با معنای اولیه: علی‌رغم مغایرت معنایی موجود بین بقا به مفهوم زنده بودن و ماندن در جهان هستی و بقا به معنی ماندن در لیگ برتر، به دلیل نوعی شباهت (ماندن و ادامه دادن) دو معنی قابل دریافت از یکدیگرند و بنابراین واژه «بقا» کاربرد استعاری دارد.

**وجود**

الف- معنای بافتی: در اینجا اسم است به معنی وجود داشتن بازی‌ها در حال حاضر.

ب- معنای اولیه: اسم است، به معنی بودن، بود و هستی.

**دارد**

الف- معنای بافتی: این فعل از جمله افعال سبک است که در اینجا نمی‌توان معنی خاصی برای آن قائل شد.

ب- معنای اولیه: فعل مضارع است از مصدر داشتن، به معنی صاحب یا دارنده چیزی یا کسی بودن.

ج- مقایسه معنای بافتی با معنای اولیه: «وجود/دارد» یک فعل مرکب است، و علی‌رغم این- که در شمارش دو واژه محسوب می‌شود، در مجموع یک معنا می‌دهد و بنابراین برای تحلیل معنا یک واحد محسوب می‌شوند. وجود جنگ بر سر بقا در این بافت به معنی در جریان بودن مسابقات در حال حاضر است و بنابراین تفاوتی در معنا مشاهده نمی‌شود و در این بافت «وجود/داشتن» کاربرد استعاری ندارد.

**پایین**

الف- معنای بافتی: اشاره به موقعیت تیم‌هایی است که به دلیل ضعیف عمل کردن در

مسابقات، در انتهای لیست قرار گرفته‌اند.

ب- معنای اولیه: آن قسمت از هر چیزی است که نزدیک به زمین است.  
 ج- مقایسه معنای بافتی با معنای اولیه: با مقایسه دو معنی می‌توان دریافت واژه «پایین» در این بافت به معنی انتهای جدول، با معنی اولیه خود به معنی نزدیک به زمین، علی‌رغم متفاوت بودن قابل درک است و بنابراین این واژه کاربرد استعاری دارد.

#### جدول

الف- معنای بافتی: در این بافت به جدول ثبت امتیازات تیم‌ها در مسابقه اشاره دارد.  
 ب- معنای اولیه: در معنای اولیه به معنای جدولی است که در آن امتیازات به دست آورده در مسابقات، از بالا به پایین مرتب می‌شوند.  
 ج- مقایسه معنای بافتی با معنای اولیه: معنای بافتی همان معنای اولیه است و بنابراین «جدول» کاربرد استعاری ندارد.

#### بیست

الف- معنای بافتی: در این بافت به تعداد تیم‌های شرکت‌کننده در مسابقات فوتبال اشاره دارد.

ب- معنای اولیه: از اعداد اصلی است معادل نوزده به اضافه ۱.  
 ج- مقایسه معنای بافتی با معنای اولیه: هیچ تفاوت معنایی بین دو معنی اولیه و بافتی وجود ندارد واژه «بیست» در اینجا استعاره نیست.

#### نزدیکی

الف- معنای بافتی: به معنای داشتن اختلاف کم در امتیازهای کسب شده توسط تیم‌های پایین جدول است.

ب- معنای اولیه: صفت است و در معنای اولیه به معنی فاصله کم با کسی یا چیزی یا جایی است مثلاً در جمله: *خانه ما به مدرسه نزدیک است.*

ج- مقایسه معنای بافتی با معنای اولیه: همان‌طوری‌که مشاهده می‌شود اختلاف کم در امتیازات کم در امتیازات تیمی به مقوله رقابت نزدیک تعبیر شده و بنابراین واژه «نزدیک» در معنای استعاری خود به کار گرفته شده است.

### میان

- الف- معنای بافتی: به معنی بین است و به رقابت در بین افراد تیم‌های فوتبال اشاره دارد.
- ب- معنای اولیه: در معنای اولیه به معنی وسط و درون چیزی است.
- ج- مقایسه معنای بافتی با معنای اولیه: مقایسه دو معنی نشان می‌دهد در این جمله برای تیم‌ها میان و وسط متصور شده است. دو معنی علی‌رغم داشتن مغایرت معنایی قابل استنباط هستند و بنابراین واژه «میان» استعاره است.

### قعر نشین

- الف- معنای بافتی: «قعر» در این بافت به معنی بدترین و نازل‌ترین موقعیت تیم‌ها در جدول رده‌بندی به کار رفته است.
- ب- معنای اولیه: یک ترکیب صفتی است که در آن قعر به معنی پایین‌ترین قسمت یک جای گود، است.
- ج- مقایسه معنای بافتی با معنای اولیه: با مقایسه دو معنی می‌توان نتیجه گرفت عملکرد ضعیف تیم‌ها و عدم کسب امتیاز به منزله قرار گرفتن در پایین‌ترین جایگاه رده‌بندی تلقی شده است و بنابراین «قعر نشین» در اینجا استعاره است.

### برای

- الف- معنای بافتی: حرف اضافه «برای» در اینجا هدف و مقصود را بیان می‌کند؛ به این منظور، ادامه رقابت‌ها به منظور حذف نشدن از لیگ.
- ب- معنای اولیه: این حرف اضافه برای اختصاص دادن چیزی به کسی یا استفاده شدن توسط گروه یا شخصی به کار می‌رود.
- ج- مقایسه معنای بافتی با معنای اولیه: معنای اولیه این واژه برای اختصاص دادن وجودی فیزیکی به مالک جاندار که به نوعی بهره‌ور است، به کار رفته و فعل جمله در جهت انتقال این مالکیت و بهره‌وری به مالک آن است و مالک در آن هدف و مقصد این انتقال است. اما معنای بافتی هدف و منظور از انجام کار را نشان می‌دهد. واژه کسب وجود انتزاعی است که در اینجا بهره‌ور قلمداد می‌شود، بدون این‌که پای بهره‌وری واقعی در آن به میان آید، با این حال هر دو



معنا از این جهت که هدف و مقصد انجام فعل را نشان می‌دهند با هم مشترکند. واژه «برای» در این بافت استعاره است.

#### فرار

الف- معنای بافتی: به معنی تسلیم نشدن و تن ندادن به شکست است و حاکی از آن است علی‌رغم معلوم بودن قهرمان، بازی‌ها با هدف حذف نشدن از لیگ کماکان ادامه دارد.

ب- معنای اولیه: دور شدن ناگهانی و باشتاب از کسی یا جایی که معمولاً نتیجه احساس ناامنی، خطر یا ترس است.

ج- مقایسه معنای بافتی با معنای اولیه: بین دو معنا مغایرت زیادی وجود دارد، اما با این حال معنای بافتی از معنای اولیه به سادگی قابل درک است و بنابراین واژه «فرار» کاربرد استعاری دارد.

#### از

الف- معنای بافتی: «از» در اینجا حرف اضافه فعل فرار است و شروع عملی را نشان می‌دهد، انگیزه تیم‌ها برای انجام و ادامه، (رهایی از خطر سقوط).

ب- معنای اولیه: حرف اضافه/ز در معنای اولیه برای نشان دادن ابتدای مکان یا موقعیت اشیاء یا افراد را به کار می‌رود، جایی که شخص یا یک چیز آغاز می‌شود: *سفری از تهران تا اصفهان*.

ج- مقایسه معنای بافتی با معنای اولیه: معنای اولیه/ز برای موارد عینی به کار می‌رود یعنی برای افراد یا اشیاء. معنای بافتی علت شروع و یا به عبارتی دلیل وجود امری؛ (در اینجا فرار از سقوط) را نشان می‌دهد. این معنی شروع انجام عملی انتزاعی است اما می‌توان موقعیت ابتدای امری انتزاعی را بر مبنای نوعی شباهت با امری عینی متصور شد. در واقع/ز در این بافت برای واژه سقوط هیات جسمانی متصور کرده که تیم‌ها از آن واهمه دارند و سعی دارند از آن بگریزند و بنابراین «ز» در اینجا استعاره است.

#### سقوط

الف- معنای بافتی: از دست دادن جایگاه امنی است، که تیم‌ها قرار است به شرط بردن در مسابقات در لیگ کسب کنند.

ب- معنای اولیه: یک اسم است به معنی افتادن بر روی زمین.

ج- مقایسه معنای بافتی با معنای اولیه: مقایسه بین دو معنا نشان می‌دهد شکست تیم‌ها در مسابقات از حریف، به صورت سقوط از جایی تشبیه گردیده و این معنا را با مقایسه با معنای اولیه می‌توان متصور شد و بنابراین واژه «سقوط» در اینجا کاربرد استعاری دارد.

توضیح آنکه از ذکر بعضی از واژه‌ها به دلیل تکراری بودن در این فهرست خودداری گردید. دلایل استعاری نبودن آن‌ها دقیقا همان دلایلی است که پیشتر عنوان گردید.

در مجموع ۲۱ واژه از ۴۰ واژه در این دو جمله دارای معنای استعاری بودند. در واقع با به‌کارگیری **ام‌آی‌پی** در این متن نوشتاری، نشان دادیم که چگونه این روش عمل می‌کند و عملاً بعضی راه‌حلهایی را که پژوهشگران باید اتخاذ کنند تا قضاوت کنند که آیا واژه به‌طور استعاری در گفتمان استفاده شده یا خیر، در اختیار خوانندگان قرار گرفت. خود پرگلیجاز اذعان می‌دارد گاه در جمع ۹ نفری آنها برای تصمیم‌گیری درباره این‌که واژه‌ای را استعاره محسوب کنند یا خیر اختلاف نظرهایی وجود داشت و گاه با اینکه در مورد کاربرد استعاری یک واژه خاص اتفاق نظر داشتند، دلایل گروه در حمایت از قضاوتشان متفاوت بود (پرگلیجاز؛ ۲۰۰۷، ۱۳).

با این حال یکی از ارزشمندترین اهداف **ام‌آی‌پی** این است، که مجموعه صریح و مشخص مراحل آن به کارشناسان این اجازه را می‌دهد، محل اختلافات را دقیقاً شناسایی کنند و در مورد آن به بحث بنشینند.

در ادامه این مقاله به بعضی الگوها، ابزارها و تصمیم‌گیری‌هایی که در صراحت بخشیدن به این روش کمک شایانی می‌کند، خواهیم پرداخت.

### ۳.۱. تهیه پیکره زبانی مورد بررسی

اولین مرحله در بررسی استعاره تهیه پیکره است. پیکره به مجموعه‌ای از متون گفته می‌شود که به‌طور طبیعی رخ می‌دهد که یا به صورت نوشتاری است و یا بازنویسی گفتار (کامرون و ماسلن؛ ۲۰۱۰، ۱۶۱). یک پیکره بسته به اهداف تحقیق می‌تواند بسیار وسیع باشد و یا محدود. این پیکره می‌تواند از گفتار غیررسمی، روزنامه‌های مختلف، کتاب‌ها، مجلات،

سرویس‌های جهانی خبر و غیره جمع‌آوری گردد. هم‌چنین این پیکره می‌تواند کاملاً تخصصی باشد؛ به‌طور مثال دستورالعمل‌های بسیار تخصصی در زمینه مهندسی رایانه، یا خبر حوادث؛ که مخاطب آن مردم عادی جامعه باشند.

پراگلیجاز پیشنهاد می‌کند در هنگام بررسی‌ها، این جزئیات را در اختیار خوانندگان قرار دهید: اسم متن مورد نظر، نوع سبک آن (گفتاری یا نوشتاری)، ذکر منبع داده‌ها، گونه تخصصی داده‌ها، (خبری، علمی، ادبی، محاوره‌ای)، تاریخ تولید یا نشر، طول متن، تعداد واژه‌ها، مخاطبان متن، ویژگی خوانندگان یا شنوندگان احتمالی.

### ۲.۳. واحد تحلیل

در ام‌آی‌پی واحد تحلیل در بررسی زبان استعاره در گفتمان، واژه است. انگیزه این اقدام را پراگلیجاز تطابق واژه‌ها و مفاهیم، ارجاعات و یا نقش‌های دستوری آن‌ها برمی‌شمرد. البته این‌که چه چیزی واژه را تشکیل می‌دهد مشکل است، اما در اکثر موارد واژه‌ها عناصر یک متن هستند که از طریق فاصله از هم جدا می‌شوند. اما در چند مورد ممکن است استثنائاتی داشته باشیم:

۲.۳.۱. چندواژه‌ای‌ها<sup>۱</sup> در زبان که معمولاً ریشه‌های غیر فارسی دارند به عنوان یک واحد واژگانی در نظر گرفته می‌شوند، مثل حداقل، حداکثر، الکتروکاردیوگرافی، سونوگرافی ...

۲.۳.۲. واژه‌های مرکب: واحدهای واژگانی هستند که از دو بخش مجزا تشکیل می‌شوند که ممکن است به صورت‌های مختلف نوشته شود:

۱- به عنوان یک واژه، ۲- دو واحد با خط تیره در بینشان و ۳- دو واحد مجزا در مورد اول یعنی وقتی دو جزء واژه مرکب به صورت یک واژه نوشته می‌شود؛ مثل زیرگذر، روگذر، شاهدانه، دلسرد، خوشحال، همکلاسی و ... یک واژه در نظر گرفته می‌شوند. اگر چه در سال‌های اخیر به جدا نوشتن این واژه‌ها تاکید زیاد شده است، ولی ملاک ما نحوه

نگارش این واژه‌ها در فرهنگ لغت است. در فرهنگ لغت برای شکل ترکیبی این واژه‌ها یک تعریف ارائه شده است.

در مورد دوم وقتی خط تیره بین دو بخش یک واژه مرکب باشد، یک واژه محسوب می‌شوند؛ مثل عملی-تحلیلی، اقتصادی-اجتماعی، فیزیک-شیمی، نظریه مارکسیستی-لنینستی و غیره، به جز در کلمات مرکب نوظهور مثل شم-بنیاد، پیکره-بنیاد، زبان-ویژه و ... علت این تصمیم این است که سخنگویان زبان فارسی ناگزیرند برای درک معنی این واژه‌های نوظهور آن را به اجزای سازنده‌شان تجزیه کنند تا بدین وسیله قادر شوند بین دو مفهوم پیوسته و ارجاعات آن‌ها رابطه برقرار کنند.

مورد سوم وقتی وقتی واژه مرکب به صورت دو واحد مجزا نوشته می‌شوند، در این مورد مراجعه به یک فرهنگ لغت، تنها راه حل است اگر واژه مورد نظر در فرهنگ لغت موجود بود، به صورت یک واحد در نظر گرفته می‌شود. اما اگر مدخلی در فرهنگ لغت وجود نداشت آن را دو واحد در نظر می‌گیریم علت این است که در این مورد هم باید این واژه‌ها را به اجزاء سازنده‌شان تجزیه کنیم تا معنی آن‌ها را درک کنیم واژه‌هایی مثل پست‌بانک، تلفن‌بانک، ماه‌عسل از این دسته هستند.

### ۳.۲.۳. اسم خاص

اسامی خاص نیز به واحدهای سازنده‌شان تجزیه می‌شوند. اسامی مثل خانم اکبری، پارک نور، خزرشهر، سفیدرود،... همچنین در مورد پلاک خانه‌ها، اسامی خیابان‌ها، آدرس‌ها و حتی اسامی شهرها و مکان‌های عمومی مثل پلاک ۱۳، خیابان معلم، بابلسر، خرمشهر،<sup>۱</sup> جمهوری اسلامی ایران، سازمان ملل، المپیک زمستانی، کمیته تجدید نظر، شورای عالی قضایی و ... نیز آن‌ها را به واحدهای سازنده‌شان تجزیه می‌کنیم.

### ۳.۳. کدبندی واحدهای واژگانی

تعداد دقیق واژه‌های مورد بررسی را محاسبه می‌کنیم و به هر یک از واژه‌های موجود در بافت، یک کد که نشان‌دهنده طبقه واژگانی واحد مورد نظر است، نسبت می‌دهیم یعنی واژه‌ها را بر حسب نوع مقوله واژگان کدبندی می‌کنیم به طور مثال اسم، صفت، قید، فعل (اصلی، کمکی،

<sup>۱</sup>خرمشهر استعاره از شهر خرم و آباد است، و دقیقاً به همین دلیل است که بعد از حمله عراق استعاره این شهر به خونین شهر تغییر کرد و همینطور بابلسر استعاره از وجود شهری بر سر شهر بابل.

وجهی)، حرف اضافه، کلمه ربط، معرف و غیره. انگیزه ما از این کدبندی دقیق این است که برای بررسی استعاره ضرورت دارد، با توجه به مقوله دستوری واژه موجود در بافت، معنای آن را تعیین کنیم و با معنای اولیه آن مقایسه کنیم. به‌طور مثال کاربرد فعل شکست، با کاربرد این واژه به عنوان یک اسم متفاوت است و علاوه بر آن حتی تفاوت کاربرد این فعل دو وجهی به عنوان لازم یا متعدی نیز باید در بررسی‌ها لحاظ نشود به عبارتی معنای بافتی فعل متعدی فقط می‌تواند با معنای اولیه افعال متعدی و نه معنای اولیه افعال لازم مقایسه شود (کرنامیر؛ ۲۰۱۱، ۱۳۴).

### ۳. ۴. به‌کارگیری فرهنگ لغت

در این بررسی همزمان از ۴ فرهنگ لغت فارسی به فارسی برای تعیین معنای اولیه و معنای بافتی استفاده شد: لغت‌نامه ۱۴ جلدی دهخدا، فرهنگ فارسی ۶ جلدی معین، فرهنگ فارسی ۲ جلدی عمید و مهمتر از همه فرهنگ ۸ جلدی بزرگ سخن انوری. همان‌طور که قبلاً اشاره شد یکی از ضعف‌های متداول بررسی‌های مربوط به استعاره، تکیه بر شم است. برای رفع این مشکل گروه پراگلیجاز استفاده از یک فرهنگ لغت در سطح پیشرفته را به عنوان ابزاری برای بررسی معنا لازم برشمردند. سمینو (۲۰۰۸، ۱۹) تاکید دارد انتخاب یک فرهنگ لغت به عنوان منبعی برای ارجاع بسیار رهگشاست. به این ترتیب، گزارش مستقل از معنای واژه‌ها خواهیم داشت. به‌کارگیری فرهنگ لغت امکان بررسی و قدرت تصمیم‌گیری به تحلیلگر می‌دهد. اما نگارنده در این بررسی به دلیل نقص فرهنگ‌های مذکور از قبیل خلط معنا بدون توجه به مقوله دستوری واژه، عدم ارائه مثال برای معانی معرفی شده در بسیاری موارد، لحاظ نکردن تمام انواع معنای یک واژه و غیره با تکیه بر اصل جهانی بودن زبان‌ها، همزمان از فرهنگ لغت آمریکایی لانگمن در سطح پیشرفته در این بررسی استفاده کرده است. البته ارجاع به فرهنگ انگلیسی به انگلیسی بیشتر در جهت تعیین معنای اولیه حروف اضافه بود. راسخ مهند (۱۳۸۹، ۱۵) به برخی از ضعف‌های فرهنگ سخن در ارائه معنای حروف اضافه اشاره می‌کند.

مبنای ارائه معنا در این مقاله فرهنگ لغت سخن است که یک فرهنگ لغت پیکره‌بیناد بر اساس پیکره‌های نسبتاً جدید فارسی معاصر است و به اندازه کافی بزرگ است که تقریباً همه واژه‌ها را به جز واژه‌های کمیاب و نادر شامل می‌شود.

### ۳.۵. تعیین معنای بافتی

معنای بافتی یک واحد واژگانی معنایی است که آن واژه در موقعیتی که به کار گرفته شده، دارد. همان‌طوری که قبلاً اشاره شد منبع ما برای تعیین این معنا استفاده از ۵ فرهنگ لغت به‌طور همزمان بوده‌است. در روند بررسی‌ها این معانی باتوجه به مقوله‌ی دستوری واحد واژگانی و مجاورت آن با واحدهای قبل و بعد از خود تعیین گردید.

### ۳.۶. تعیین معنای اولیه

معنای اولیه یک واحد واژگانی معنایی است که مجردتر، شفاف‌تر، مشخص‌تر، و انسان‌محور باشد. چون این معنا، معنای اولیه است همیشه در فرهنگ لغت کاربران معمولی زبان یافت می‌شود (هرمان؛ ۲۰۱۳، ۱۰۱). گروه پرگلیجاز معیار قدمت را نیز در تعیین معنای اولیه منظور کرده است، اما هرمان توسل جستن به این معنا را فقط در صورت ابهام و عدم توافق در تصمیم‌گیری به عنوان آخرین گزینه پیشنهاد می‌کند، چرا که معتقد است بیشتر کاربران زبان از گذر نسبی بیشتر واژه‌ها در زبان معاصر آگاه نیستند. به‌طورکلی باید گفت در روند بررسی مشخص گردید، تعیین معنای اولیه برای واژه‌های محتوایی یعنی اسم، فعل، قید، صفت از واژه‌های دستوری ساده‌تر است؛ تا جایی که برای بررسی حروف اضافه ناگزیر به استفاده از یک فرهنگ انگلیسی به انگلیسی شدیم. علی‌رغم به‌کارگیری این حربه، هم‌چنان تعیین معنای اولیه حروف اضافه «میان، در، بر، از، برای» که روابط مربوط به فضا و مکان را نشان می‌دهند، در گروه ۳ نفری ما اختلاف نظرهایی را پدید آورد. البته پژوهشگران علاقه‌مند به این بررسی‌ها ممکن است در تعیین معنای اولیه با مشکلات خاصی مواجه شوند که می‌توانند برحسب اهداف تحقیق، تدابیر لازم را اتخاذ نمایند.

### ۳.۷. تصمیم‌گیری درباره نقش مغایرت معنایی

همان‌طوری که قبلاً گفته شد در استعاره معنای بافتی واحد واژگانی، تاحدی از معنای اولیه انحراف دارد. این به آن معنا است که معنای اولیه باید به اندازه کافی با معنای بافتی مغایرت

داشته باشد، تا این معنای بافتی بالقوه قادر باشد در قلمرو معنایی دیگری شرکت کند. برای تصمیم‌گیری درباره این که چه میزان تفاوت معنایی باید بین دو معنی وجود داشته باشد تا استعاره محسوب شود، باید گفت وقتی برای یک واحد واژگانی با توجه به مقوله دستوری‌اش بیش از یک توصیف معنایی مجزا در فرهنگ لغت وجود داشته باشد، یعنی این معانی به اندازه کافی متمایز هستند.

### ۸.۳. تصمیم‌گیری درباره نقش شباهت

وقتی دو معنی به اندازه کافی متمایز از یک واحد واژگانی وجود دارد که یکی اولیه‌تر از دیگری به نظر می‌رسد، این مفاهیم بالقوه از نظر استعاری به یکدیگر مربوطند. دلیل این امر این است که آن‌ها از نوعی شباهت بیرونی یا نقشی (صفت و روابط) بین مفاهیمی که معرفی می‌کند برخوردار می‌گردند (هرمان؛ ۲۰۱۳، ۱۰۳).

وقتی یک واحد واژگانی یک مفهوم بافتی کلی و مبهم دارد که شبیه رابطه انتزاعی از یک مفهوم نسبتاً خاص و مجرد است، در صورتی که دو مفهوم به اندازه کافی از هم متمایزند و از طریق نوعی شباهت به هم مربوط می‌شوند، باید کاربرد آن واژه را استعاری در نظر گرفت (همان، ۱۰۴).

### ۹.۳. تصمیم‌گیری نهایی

بالاخره این که با تمام راهکارهای ارائه شده و در نهایت بحث و تبادل نظر در جمع تا حد قریب به یقین می‌توان واژه‌هایی را که کاربرد استعاری در گفتمان دارند، شناسایی کرد.

#### ۱- اعمال روش ام‌آی‌پی بر روی چند تیتیر خبر

در آخر لازم است با توجه به آنچه که در تشریح ام‌آی‌پی در این مقاله آموختیم دانسته‌های خود را در چند تیتیر خبر به اشتراک بگذاریم. هلیدی (۱۹۹۴، ۳۹۲) معتقد است تیتیر خبر در گفتمان رسانه به دلیل ویژگی جذابیت و چشمگیر بودن اغلب مورد تحلیل قرار می‌گیرد. تیتیرهای خبر نمونه بارز متون کوچک هستند و اغلب راه‌های میان‌بر جذابی برای محتوای روزنامه‌ها به شمار می‌آیند. اینفانتیدو (۲۰۰۹، ۶۹۹) نقش اصلی تیتیرهای خبر را خلاصه کردن و جذب کردن توجه به متن کامل مقاله خبر می‌داند. این ویژگی‌ها باید از طریق متن بی‌نهایت

کوتاه سازگار شود، به نحوی که ضمن این که خواننده را از محتوای مقاله مطلع می‌سازد، کنجکاو او را نیز برانگیزد و ترغیب به خواندن کامل مقاله کند. به دلیل این ویژگی‌ها، تیتیر خبر نوعی متن هستند که در آن استعاره اغلب به عنوان راه میان‌بر شناختی برای ساده‌تر کردن و موثر بودن پیام‌های پیچیده هستند. به چند تیتیر خبر و نحوه به‌کارگیری استعاره در ادامه مقاله توجه کنید. این تیتیرها از روزنامه کیهان خرداد ۸۸ گرفته شده‌اند.

## ۲- کسانی که معتقدند ایران ضعیف شده چرخی در دنیا بزنند

در این تیتیر خبر ۳ واژه به صورت استعاری به‌کار گرفته شده است:

صفت **ضعیف** که از معنای اولیه خود (فاقد توانایی جسمی) انحراف دارد و در این بافت به معنی فاقد کارایی و قدرت برای اداره کشور است.

فعل مرکب **چرخ زدن** نیز از معنای اولیه (به دور خود یا کسی یا چیزی گشتن) دور شده و در این بافت زبانی رفتن به قصد کنکاش و بررسی معنی می‌دهد.

حرف اضافه **در** نیز که در معنای اولیه (برای بیان ظرفیت و درون چیزی یا جایی بودن به‌کار می‌رود) در اینجا گستره عالم و کشورها را به صورت محدوده مکانی معرفی می‌کند که انسان‌ها در آن قرار دارند.

در هر سه مورد مغایرت معنایی را بین دو معنای اولیه و بافتی شاهد هستیم با این حال می‌توان با مقایسه دو معنا، معنای بافتی را از معنای اولیه استنباط کرد.

## ۳- ایران بلندترین صدای جهان در مقابل صهیونیست‌ها

در همین تیتیر کوتاه ۵ استعاره وجود دارد:

صفت عالی **بلندترین** که از معنای اولیه خود (دارای ارتفاع زیاد از سطح زمین) فاصله گرفته و در این بافت به معنی فرکانس زیاد و شدت صورت به‌کار رفته، به نوعی رساترین و تاثیر گذارترین معنا می‌دهد.

**صدا**، اسمی که معنای اولیه آن (آنچه شنیده می‌شود است) در اینجا منظور از کاربرد آن شبکه‌ای برای اعتراض و مظلومیت‌خواهی است.



جهان، اسمی است که در معنای اولیه به معنی (پهنه کره زمین و آنچه در آن است) می‌باشد در این بافت زبانی، نمادی برای بزرگی و عظمت است. حرف اضافه در، معنای اولیه آن (بیان ظرفیت است) در اینجا برای عالم محدوده مکانی متصور می‌کند.

اسم مقابل، که در معنای اولیه (هر یک از جاهایی که در دوسوی خط یا دوسوی یک فضای خالی قرار دارد، رو برو) معنی می‌دهد در این بافت به معنی مخالفت و نمادی برای بیان مقاومت و یا ایستادگی معنی می‌دهد.

در هر پنج مورد علی رغم مغایرت معنای اولیه و بافتی، معنای بافتی به دلیل نوعی شباهت از معنای اولیه قابل درک است.

#### ۴- سپاه طعم شیرین امنیت را به مردم شرق کشور می‌چشاند

در این تیتیر خبر سه واژه به صورت استعاری به کار گرفته شده است:

طعم، در معنای اولیه این اسم این توصیف آمده است (آنچه اندام چشایی هنگام خوردن یا چشیدن چیزی، آن را حس می‌کند) اما در این بافت طعم به قضاوت شخصی درباره آنچه خوب و مناسب است، اشاره دارد. سپاه در صدد است با مبارزه با اشرار و قاچاقچیان در شرق ایران به مردمی که در این نواحی زندگی می‌کنند بفهماند امنیت و آرامش چه مسئله ضروری و خوبی است.

صفت شیرین، که در معنای اولیه به (مزه شیرین، متضاد تلخ) اشاره دارد، در این جا به معنی مطبوع، دلنشین، خوب و دلپذیر است و برای واژه امنیت به کار گرفته شده است.

بچشاند، فعل مضارع است که معنای اولیه آن (کمی خوردنی یا نوشیدنی در دهان کسی گذاشتن تا آن را بچشد) است و در این بافت به معنی کسی را در معرض تجربه‌ای قرار دادن، معنی می‌دهد. یعنی مردم شرق ایران با اقدام سپاه علیه اشرار امنیت و آرامش روانی حاصل از آن را تجربه خواهند کرد.

معنای بافتی هر سه واژه علی‌رغم مغایرت با معنای اولیه به دلیل وجود نوعی شباهت قابل درک است و بنابراین این واژه‌ها کاربرد استعاری دارند.

## ۴. نتیجه‌گیری

روش **ام‌آی‌پی** توسط پرگلیجاز و همکاران او ابداع شد تا شالوده‌ای معتبر، صریح و انعطاف‌پذیر برای شناسایی استعاره در متون مختلف فراهم آورد. گرچه بعضی کارشناسان ممکن است ادعا کنند برای شناسایی استعاره در یک متن صرفاً از شم خود بهره می‌گیرند، اما موارد اختلاف این شم در افراد مختلف ممکن است به صراحت و اعتبار تحقیق آسیب بزند. توجه این شم، یکدستی در نتایج و به کارگیری آن در واحدهای منفرد واژگانی کار بسیار پیچیده‌ای است که در این موقعیت، فقط یک روش منسجم مثل **ام‌آی‌پی** می‌تواند راهگشا باشد. آشنایی با این فرایند و به‌کارگیری مراحل آن متضمن دقت و صرف وقت فراوان است که البته همین امر نشان‌دهنده این است که **ام‌آی‌پی** روشی نظام‌مند برای شناسایی استعاره است. البته گرچه روش **ام‌آی‌پی** ثابت کرد که برای اهداف مورد نظر این بررسی بسیار مناسب است، آگاهی داشتن از محدودیت‌های آن اهمیت دارد. یکی از این محدودیت‌ها استفاده از فرهنگ لغت برای شناسایی استعاره است؛ یک فرهنگ لغت ممکن است همه واژه‌ها به ویژه واژگان تخصصی را شامل نشود و یا نارسایی‌هایی در تعاریف واژه‌ها وجود داشته باشد؛ به نحوی که اصل روشنی، سادگی و قابل فهم بودن که مهمترین اصل تعریف یک واژه در فرهنگ است نادیده شود و بنابراین کار مقایسه دو معنای اولیه و بافتی به دشواری انجام می‌گیرد و یا در واقع برای برخی واژه‌ها مفهوم صریحی که بتوان از آن طریق، واژه را درک کرد یا متصور شد ارائه شود. بنابراین نتایج این‌گونه بررسی‌ها تا حدودی به نوع فرهنگ لغتی که استفاده می‌شود بستگی دارد. محدودیت دیگر به انتخاب واژه به عنوان واحد تحلیل در این بررسی ارتباط دارد. بعید به نظر می‌رسد واحدهای واژگانی به طور مستقل عمل کنند؛ زیرا توسط واحدهای دیگر احاطه شده‌اند و خود بخشی از جمله و پاراگراف محسوب می‌شوند. همچنین آن‌طور که تجربه ما در مورد **ام‌آی‌پی** در این مقاله نشان داده است، به‌کارگیری این روش برای دستیابی به یافته‌های معتبر و درست در زمینه شناسایی استعاره به هیچ وجه کار

سریع و آسانی نیست و برای دستیابی به نتیجه‌ی معتبر باید به چند نکته توجه شود:

۱- تمام ۴ مرحله پیشنهاد شده در این روش به‌طور کامل بدون هیچ اغمازی به ترتیب اجرا گردد.

۲- به راهنمایی‌هایی که برای اجرای دقیق مراحل ام‌آی‌پی در این مقاله ذکر شد مثل چگونگی تعیین معنای بافتی و اولیه، تعیین میزان شباهت و مغایرت برای کاربرد استعاره و واژه‌ها، استفاده از فرهنگ لغت معتبر، مبنای تعیین واحدهای واژگانی و غیره حتما دقت و توجه لازم مبذول شود.

۳- توجه داشته باشیم به‌کارگیری مراحل ام‌آی‌پی کار وقت‌گیر و مشکلی است و بنابراین این مراحل باید به آرامی و با حوصله لازم انجام گیرد.

۴- برای اینکه نتایج معتبر برای پژوهش‌های مختلف پیرامون استعاره کسب شود بهتر است همزمان چند تحلیل‌گر به‌طور جداگانه مراحل مختلف ام‌آی‌پی را در گفتمان خاص به اجرا بگذارند و سپس نتایج حاصل را در گروه به بحث بگذارند.

۵- تصمیم‌گیری در بعضی از مراحل این روش، به‌طور مثال مبنای تعیین مرز واحدهای واژگانی در اسامی خاص و واژه‌های مرکب، نظارت، هم‌فکری و تبادل‌نظر پیشگامان زبان‌شناسی و به‌ویژه زبان‌شناسان شناختی را می‌طلبد که امید است با خواندن این مقاله اساتید صاحب نظر راهنمایی‌ها، تدابیر، توضیحات و توصیه‌های تکمیلی خود را برای اجرای بهینه این روش در داده‌های زبان فارسی در اختیار پژوهشگران جوان و علاقه‌مند به این بررسی‌ها قرار دهند.

#### کتابنامه

- انوری، ح. (۱۳۸۲). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: نشر سخن.  
 دهخدا، ع. (۱۳۷۳). لغت نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.  
 راسخ مهند، م. (۱۳۸۹). بررسی حروف اضافی مکانی فرهنگ سخن براساس معنی‌شناسی شناختی. مجله ادب پژوهی ش ۱۴ صص ۴۹-۶۶.

عمید، ح. (۲۵۳۷). فرهنگ فارسی عمید. تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.  
 معین، م. (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی معین. چاپ چهارم با بازخوانی و ویرایش شهاب‌الدین ارجمندی،  
 تهران: انتشارات معین.

- Bell, A. (1991). *The language of News Media*. Oxford: Black well.
- Cameron, L. & Maslen, R. (2010). *Metaphor Analysis Research Practice in Applied linguistics*. Social Science and humanities. UK: Euniox Publishing LTD.
- Cameron, L. (2003). *metaphor In Educational Discourse*. London: Continuum.
- Cameron, L. (1999). *Operational Metaphor for Applied Linguistics*. In L.Cameron& G. Low (Eds.) *Researching and applying metaphor*, PP.3-28. Cambridge: Cambridge University press.
- Cameron, L.,and Low, G. (1999). *Researching and applying metaphor*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Charteris-Black, J. (2004). *Corpus Approach To Critical Metaphor Analysis*. Basingstok: Palgrave Macmilan.
- Deignan, A. (2005). *Metaphor and Corpus Linguistics*. Amesterdam: John Benjamins.
- Halliday, M.A.K. (1994). *An Introduction to Functional Grammar*. London: Arnold.
- Herman, B. J. (2013). *Metaphor In Academic Discourse, Linguistics form, Conceptual structures, Communicative functions, and Cognitive representations*. The Netherlands lot 35 12JK Utrecht.
- Infantidou, U. E. (2009). *Newspaper headlines and relevance; Ad hoc concepts in ad hoc contexts*. Journals of Pragmatics, volume 41/40. PP. 699-720
- Krennmayre, T. (2011). *Metaphor In Newspapers*. The Netherlands: Lot 35/2 JK Utrecht.
- Lakoff, G., and Johnson, M. (1980). "Metaphors We Live By". Chicago: Oxford University Press.
- Lakoff, G. (1993). *The Contemporary theory of metaphor*. In metaphor and thought. Cambridge: Cambridge University Press.
- Martin, J., and Harre, R. (1982). *Metaphor in science* In Maiall Davis.(ed) *Metaphors: Problems an perspective,* Sussex: The Harvest Press, PP. 89-105.

- Ortony, A. (1979). *Metaphor: A Multidimensional problem*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Philip, E. (2000). *A war of words in the Discourse of trade*. United States of America: Southern Illinois University.
- Pragglejaz group. (2007). *A Method Of Identifying Metaphorically Used Words in Discourse*. In *Metaphor And symbol*. Lawrence Erlbaum Associates.Inc. 22(1) PP. 1-39.
- Semino, E. (2002). *A study body or a derailing train? Metaphorical representation of the Uro in British and Italian newspapers*. *Text*, 22(1), PP. 107-139.
- Semino, E. (2008). *Metaphors In Discourse*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Steen, E. (2002). *Identifying metaphor in language: A cognitive approach*. *Style*, 36(3). PP. 386-407
- Steen, G. J. (1999). *Metaphor and discourse: Toward a linguistic checklist for metaphor analysis*. In L. Cameron and G. Low (eds), *Researching and applying metaphor*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Van Dijk, T. A. (1988). *News as discourse*. Hillsdale, New Jersey: Lawrence Erlbaum. [www.longman.com/dictionaries](http://www.longman.com/dictionaries)